

افغانستان به مانمی گوید و این را پیش فرض می گیرد که آنها باید اینجا باشند. معدود چیزی که درون فیلم در این زمینه گفته می شود اما شایان توجه است. در یکی از سکانس های بسیار مهم سربازان امریکایی سراغ روستاییان افغان می روند (همان ها که در ادامه به باج خواهی دست خواهند زد!) تا مطمئن شوند با طالبان همکاری نخواهند کرد. آنها اعلام می کنند که می خواهند در اینجا صلح را به ارمغان بیاورند و هدفی جز این ندارند و اگر با ایالت متحده همراه باشند، ایالت متحده باعث پیشرفت کشور آنها می شود. به این راحتی بیان می شود که کشوری چون افغانستان عقب مانده است و اگر پیشرفت می خواهد باید دنباله رو ایالت متحده باشد. در جای دیگر مترجم افغان همراه سربازان امریکایی بیان می کند برای نجات خود و خانواده اش نیاز دارد که سربازان امریکایی در منطقه حضور داشته باشند. اینها از معدود کدهایی است که توجیه گر حضور سربازان امریکایی در افغانستان است.

در پایان نیز، فیلم پروژه قهرمان سازی از سربازان نظامی خود را به اوج می رساند. این سربازان فداکار با استقبال بسیار خوبی از سمت مردم روبه رو می شوند و این چیزی است که در مصاحبه های واقعی پایان فیلم از سربازان واقعی، به تصویر کشیده می شود. در واقع یکی از اهداف چنین ژانرهایی، ساخت یک روایت قهرمانانه از حضور نظامی ارتش امریکا در سایر نقاط جهان است که در طی این روایت سازی ها، روایت خشونت و جنایت های ارتش امریکا پنهان می ماند.



پی نوشت:

1- The Outpost

شماره ۷۵

شماره چهارم • تیر و مرداد ۱۴۰۲